

«شهروند» ابعاد ادغام احتمالی مدارس استثنایی در مدارس عادی را بررسی می کند

همزیستی توان افزا

«**مریم رضاخواه**» ۸۲ هزار دانش آموز معلول شدید جسمی حرکتی یا کم توان ذهنی، در یک هزار و ۷۵۰ مدرسه استثنایی زیر نظر سازمان آموزش و پرورش استثنایی تحصیل می کنند. این در حالی است که ۱۷ هزار دانش آموز استثنایی کشور در مدارس عادی و در کنار سایر دانش آموزان مشغول به تحصیل هستند. این دانش آموزان که در مدارس تلفیقی فراگیر تحصیل می کنند، مشکلات مختلف از جمله دیرآموزی یا مشکلات خفیف بینایی، شنوایی و جسمی حرکتی دارند که در کنار دانش آموزان در مدارس عادی تحصیل می کنند. ادغام دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز در حوزه آموزش و پرورش است. کارشناسان معتقد هستند که دانش آموزان با نیازهای ویژه باید در مدارس عادی تحصیل کنند تا فرصت های برابر برای یادگیری و تعامل اجتماعی ایجاد شود. موضوعی که دغدغه رئیس جمهور کشورمان نیز است. مسعود پزشکیان به احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دستور داده تا در اسرع وقت نسبت به تدوین طرح ادغام مدارس استثنایی با مدارس عادی اقدام کند. اکنون این سوال مطرح است که پیام رئیس جمهور با این دستور چیست و ادغام دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی چه نتایجی دارد؟

تاکید رئیس جمهور بر رویکردهای نوین

رضوان حکیم زاده، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش درباره ادغام مدارس استثنایی با مدارس عادی و رویکردهای جدید آموزش برای کودکان با نیازهای ویژه به «شهروند» می گوید: «در گذشته رویکردهای آموزشی برای کودکان با نیازهای ویژه در واقع مبنی بر جداسازی بود اما رویکردهای جدید تعلیم و تربیت به جای جداسازی، بر تلفیق فراگیر و همزیستی تأکید دارد و هدف آن این است که کودکان در زندگی واقعی یاد بگیرند که در کنار یکدیگر زندگی کنند. رئیس جمهور هم با اشاره به این نکته که در اسرع وقت تدوین طرح ادغام مدارس استثنایی با مدارس عادی، صورت گیرد، تأکیدی بر رویکردهای نوین داشتند که باید به صورت فراگیرتر و گسترده تر با تعداد دانش آموزان بالاتری انجام شود. مهم تغییر نگرش هاست مهم ایجاد آمادگی بیشتر است تا این طرح به طور کامل اجرا شود.»

حکیم زاده به ضرورت متناسب سازی فضاهای آموزشی و شهری برای حضور همه اعضای جامعه، به ویژه افراد با مشکلات خاص، اشاره می کند: «در مدارس هم باید متناسب سازی انجام گیرد همانطور که در فضای شهری باید این اقدامات صورت گیرد. فضای مدرسه باید به شکلی باشد که امکان رفت و آمد برای تمام کودکان فراهم شود. همچنین باید تمام تجهیزات ایمنی در نظر گرفته شود تا کودکان دچار آسیب نشوند. او همچنین، آموزش مداوم معلمان و کادر آموزشی برای ایجاد محیط های فراگیر و فراهم کردن زیرساخت های لازم برای اجرای موفق این طرح را مورد تأکید قرار داد. «برای عملی شدن این طرح به طور کامل باید به همه ابعاد توجه شود همزمان با آموزش های لازم کادر مدرسه و مربیان تغییر باید توجه شود تا محیطی مشترک را برای یادگیری همه دانش آموزان در کنار یکدیگر فراهم کنیم.»

حکیم زاده می گوید: «البته نتیجه پژوهش های جهانی هم بیانگر این موضوع است که نظام های آموزشی که کمتر دست به جداسازی زدن و همزمان به آموزش فراگیر توجه کردند و در یک محیط آموزشی، دانش آموزان عادی و استثنایی را در کنار یکدیگر دیدند، نتایج تربیت و آموزشی بهتری را به دست آورده اند. ادغام دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی نتایج مثبتی در پی دارد، از جمله تقویت همدلی، کاهش تبعیض، و ارتقای کیفیت آموزشی. با این حال، برای دستیابی به این نتایج، باید به چالش ها و موانع موجود توجه کرد و زیرساخت های لازم برای اجرای موفق برنامه های ادغامی فراهم شود. ادغام نه تنها به نفع دانش آموزان استثنایی، بلکه به نفع کل جامعه است و به ایجاد یک فرهنگ پذیرش و سهولت در تعاملات اجتماعی کمک می کند.»

تحصیل ۱۷ هزار دانش آموز استثنایی در مدارس عادی

اسماعیل برقی، معاون آموزش و پرورش و تربیت بدنی سازمان آموزش و پرورش استثنایی در گفت و گو با «شهروند» توضیحاتی درباره طرح ادغام و مزایای آن می دهد. او می گوید: «یکی از دغدغه های رئیس جمهور افزایش ادغام دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی است. در واقع بر اساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش



محمد داوری کارشناس آموزش و پرورش نیز در گفت و گو با «شهروند» به بررسی وضعیت دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی پرداخته و مزایا و معایب این رویکرد را بررسی می کند. او می گوید: «دانش آموزان استثنایی که از لحاظ هوشی در سطح متوسط یا بالاتر هستند باید در مدارس عادی تحصیل کنند و سایر معلولیت ها نباید مانع از این امر شود. تنها در صورتی که دانش آموز از لحاظ هوش در سطح پایینی باشد و نیاز به شیوه های آموزشی خاص داشته باشد، به مدارس ویژه انتقال پیدا می کند. حتی در این موارد نیز باید تلاش شود تا این دانش آموزان در مدارس عادی با برنامه های ویژه حضور داشته باشند، مگر اینکه وضعیت آن ها بسیار حاد باشد. داوری به مزایای این رویکرد اشاره می کند: مزایای این رویکرد شامل یادگیری مهارت های اجتماعی و زندگی در کنار سایر دانش آموزان، کاهش احساس انزوا و افزایش عزت نفس است.



در سال ۱۳۹۰، دانش آموزان با نیازهای ویژه می توانند در مدارس عادی تحصیل کنند. اما باید مدارس برای حضور دانش آموزان با معلولیت های مختلف مناسب سازی شود چه از نظر فضا و تجهیزات موجود و چه از نظر آموزش.»

برقی به طرح تلفیقی فراگیر اشاره می کند که بیش از ۴۰ سال در کشور وجود دارد: «این طرح از دهه ۸۰، ابتدا در ۳ استان و بعد در ۷ استان به صورت آزمایشی آغاز شد و سپس کل کشور تحت پوشش قرار گرفت. در کشورهای پیشرفته دنیا هم این آموزش فراگیر وجود دارد. در حال حاضر ۸۲ هزار دانش آموز داریم که در مدارس خاص با استثنایی مشغول به تحصیل هستند. حدود ۱۷ هزار دانش آموز تلفیقی با فراگیر نیز در مدارس عادی تحصیل می کنند و می توانند در کنار دانش آموزان دیگر باشند. این طرح شامل دانش آموزان با آسیب های بینایی، با آسیب های شنوایی، معلولیت های جسمی حرکتی و اختلال طیف اتیسم است. هدف این است که این دانش آموزان در کنار همسالان خود و در محیطی با کمترین محدودیت و در نزدیکترین مدرسه به محل سکونت خود تحصیل کنند. تعدادی از دانش آموزان استثنایی نمی توانند در مدارس عادی تحصیل کنند مثل دانش آموزانی که کم توان ذهنی هستند. برای دانش آموزان کم توان ذهنی، نظام آموزشی خاص با محتوای آموزشی خاص تدوین شده است. بنابراین کسانی که از نظر رفتاری و هیجانی مشکلات شدیدی نداشته باشند و تنها دارای اختلالات ارتباطی و رفتاری، با میزان هوش عادی باشند، می توانند از نظام آموزش عادی و از طرح تلفیقی و فراگیر استفاده کنند. البته به این گروه از دانش آموزان نیز خدمات داده می شود. معلم رابط در اختیار این گروه از دانش آموزان قرار می گیرد و محتوای آموزشی، برای دانش آموزان استثنایی که در مدارس عادی تحصیل می کنند، مناسب سازی شده است. به عنوان مثال، کتاب ها برای دانش آموزان نابینا به صورت خط بریل است. همچنین کتاب ها با خط درشت به دانش آموزانی که کم بینا هستند ارائه می شود.»

چند مدرسه استثنایی داریم؟

تعداد مدارس استثنایی در کشور ۱۷۵۰ مدرسه است و ۱۳ هزار و ۵۰۰ کلاس وجود دارد. ۲۳ هزار معلم و مربی و نیروی توانبخشی و اداری به دانش آموزان استثنایی آموزش و خدمات ارائه می دهند. در هر مدرسه به صورت میانگین ۵۰ و در هر کلاس، ۶

وضعیت دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی

جداسازی این دانش آموزان می تواند آسیب های روانی و شخصیتی برای آن ها به همراه داشته باشد. این کارشناس آموزش و پرورش نقش معلمان را در آموزش به دانش آموزان استثنایی و عادی مهم می داند: «معلمان باید با اصول و روش های آموزشی و تربیتی متنوع آشنا باشند تا بتوانند با دانش آموزان استثنایی به خوبی تعامل کنند. در دوره های تربیت معلم، واحدهای درسی مرتبط با کودکان استثنایی را روانشناسی ارائه می شود تا معلمان توانایی لازم برای کار با این دانش آموزان را داشته باشند.» او همچنین، به نگرانی خانواده ها اشاره می کند که ممکن است تصور کنند حضور دانش آموزان استثنایی به سایر دانش آموزان آسیب می زند. «در واقع، این تعامل می تواند به یادگیری مهارت های اجتماعی و انسانی کمک کند و رویکردی انسانی و اخلاقی را ترویج دهد. برخی خانواده ها نیز در برابر این رویکرد مقاومت می کنند که با توجه و آگاهی بخشی، می توان این نگرش ها را تغییر داد و به صحنه های انسان دوستانه ای دست یافت که نشان دهنده پذیرش و همکاری دانش آموزان استثنایی و عادی است.»

دانش آموزان استثنایی تحصیل می کنند. ۱۵۰ عنوان مناسب سازی محتوای کتاب درسی انجام شده است. از طرفی طیف دانش آموزان با نیازهای ویژه به ۱۰ گروه می رسد. نیم درصد از مدارس غیردولتی اند و حدود ۴۰۰ دانش آموز در این مدارس تحصیل می کنند.

مزایای طرح تلفیقی فراگیر

مزایای این طرح چیست؟ برقی به این پرسش پاسخ می دهد: «مزایای این طرح شامل ایجاد عدالت اجتماعی و تربیتی، فراهم کردن فرصت های برابر برای همه دانش آموزان و رشد اجتماعی دانش آموزان استثنایی در محیط های عادی است. پژوهش ها نشان می دهد تحصیل دانش آموزان استثنایی در مدارس پذیرا یا عادی به دلیل شرایطی که وجود دارد، سبب رشد اجتماعی دانش آموزان استثنایی می شود. دانش آموزان عادی نیز متوجه خواهند شد گروهی از افراد تفاوت هایی دارند. دوستی و همدلی بین این دانش آموزان از دوران مدرسه شکل می گیرد و در آینده و اجتماع نگاه نسبت به افراد دارای معلولیت مثبت خواهد بود.»

وی تأکید می کند که ادغام مدارس استثنایی با مدارس عادی به معنای حذف کامل مدارس استثنایی نیست و برای برخی دانش آموزان، نظام آموزشی خاصی تعریف شده است. «در واقع در حال حاضر امکان پذیر نیست که مدارس استثنایی به طور کل حذف شوند. از آنجایی که سطح معلولیت ها در دانش آموزان متفاوت است و درجه بندی دارد در آن دسته از معلولیت های شدید جسمی و حرکتی و حتی کم توانی های ذهنی امکان پذیر نیست که این گروه از دانش آموزان در مدارس عادی تحصیل کنند.»

در نهایت، برقی به اهمیت آموزش معلمان و فراهم کردن شرایط مناسب برای حضور دانش آموزان استثنایی در کلاس های عادی اشاره می کند: «اگر مناسب سازی لازم در مدارس عادی صورت گیرد که دانش آموزان استثنایی با معلولیت های مختلف شنیداری، دیداری و حرکتی و اتیسم با هوشبهر عادی بتوانند بدون کمک و نیاز به دیگران از فضای مدرسه استفاده کنند یا معلمان و مربیان به آمادگی کامل رسیده باشند تا بتوانند آموزش های لازم را به گروه های مختلف دانش آموزان با معلولیت های گوناگون ارائه کنند، این امکان وجود خواهد داشت تا تعداد بیشتری از دانش آموزان استثنایی تحت پوشش آموزش تلفیقی و فراگیر قرار گیرند.»

آینده

رپنتت ها) حلقه گمشده اکوسیستم

هوش مصنوعی ایران

تبدیل دانش علمی به پتنت (سند اختراع) یک چالش حیاتی در اکوسیستم نوآوری کشور و مسئله هوش مصنوعی است و این موضوع نشان می دهد که با ادامه روند فعلی در سال های آتی ایران در این زمینه به شدت از کشورهای منطقه عقب خواهد افتاد.

ایران در زمینه مقالات هوش مصنوعی، چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت در حال حاضر در جایگاه دوم منطقه پس از عربستان قرار دارد و با طی روند فعلی در سال های آینده این جایگاه را به ترکیه و در میان مدت به امارات واگذار خواهد کرد.

میانگین رشد تعداد مقالات هوش مصنوعی در ایران پایین تر از میانگین جهانی است و از سال ۲۰۱۹ به بعد به طور مداوم کاهش پیدا کرده است. به همین دلیل ایران سهم ۷ درصدی خود از تعداد مقالات هوش مصنوعی در جهان و رتبه اول منطقه و یکی از کشورهای برتر جهان در سال ۲۰۱۳ را از دست داده و از سال ۲۰۲۲ به بعد پس از عربستان در جایگاه دوم منطقه قرار دارد. ایران در سال ۲۰۲۳ تنها ۳٫۲ درصد از کل مقالات با تأثیر بالای هوش مصنوعی را در اختیار دارد و ترکیه بر اساس سرعت رشد بالا به زودی جایگاه ایران در منطقه را خواهد گرفت. به جز رژیم صهیونیستی تقریباً هیچ یک از کشورهای منطقه جایگاه مناسبی در زمینه پتنت نداشته و بسیاری از کشورهای منطقه دچار عقب ماندگی جدی نسبت به کشورهای منتخب در حوزه هوش مصنوعی هستند. در حال حاضر ایران به جز ترکیه با هیچ یک از کشورهای منطقه همکاری علمی قابل توجهی ندارد و مهم ترین همکاران بین المللی علمی ایران در زمینه هوش مصنوعی به ترتیب آمریکا، کانادا، استرالیا و چین هستند. برخلاف ایران، عربستان در همکاری های علمی بین المللی روندی کاملاً متفاوت را طی کرده و ضمن برقراری تعادل در همکاری با چین و آمریکا تمرکز خود را بر همکاری با کشورهای منطقه و هند گذاشته است. در حال حاضر هند، پاکستان و مصر به ترتیب سه همکار علمی برتر عربستان در زمینه هوش مصنوعی هستند. ترکیه از همکاری علمی با ایران بهره برده و تا سال ۲۰۲۲ ایران دومین همکار علمی کشور ترکیه پس از آمریکا بوده است. از سال ۲۰۲۲ به بعد، ترکیه مسیری متفاوت در پیش گرفته و هم اکنون ایران پس از هند، چین و انگلستان در جایگاه پنجم همکاری های بین المللی ترکیه قرار دارد.

بدانیم

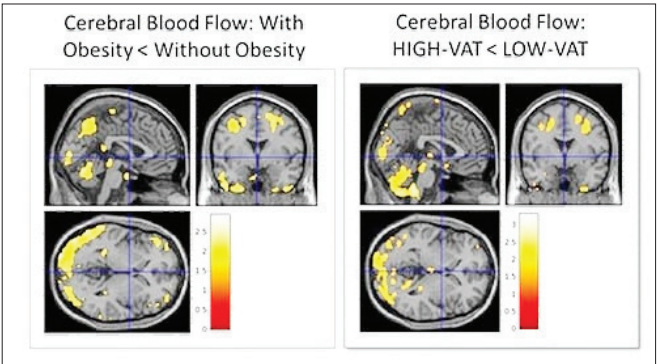
کاهش علائم افسردگی با دریافت بیشتر روشنایی روز

یافته های پژوهشگران نشان می دهد گذراندن زمان بیشتر در روشنایی روز، کیفیت خواب افراد را افزایش و علائم افسردگی را کاهش می دهد. این پژوهش که روی بیش از ۶ هزار و شصت شرکت کننده انجام شد، نشان داد افرادی که زمان بیشتری را در روشنایی روز سپری می کنند، خواب منظم تری دارند و خواب منظم تر با کاهش علائم افسردگی و کاهش احتمال ابتلا به افسردگی خفیف یا شدید مرتبط است.

سوزان ردلاین (Susan Redline)، پزشک ارشد بخش خواب و اختلالات خواب و بیداری ریتم شبانه روزی بیمارستان بریگهام و زنان در آمریکا می گوید: خواب منظم، تأثیرات گسترده ای بر سلامت مادر دارد. مطالعات آتی که به بررسی درمان بارونشنایی روز می پردازند نباید تأثیر خواب منظم روی علائم خلق و خو و افسردگی را نادیده بگیرند.

گروه پژوهشی بیمارستان بریگهام و زنان در آمریکا، داده های جمع آوری شده نظرسنجی ملی سلامت و تغذیه (مربوط به سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴) را بررسی کردند تا دریابند قرار گرفتن در معرض روشنایی (در سطحی که معمولاً معادل قرار گرفتن در معرض نور روز است) با علائم افسردگی مرتبط است. در این مطالعه، نور روز و نظم خواب با استفاده از یک دستگاه سنج منبند اندازه گیری شد. دنیل ای والاس، سرپرست پژوهشگران گفت: دریافتیم صرف زمان بیشتر در نور روز، با کاهش علائم افسردگی مرتبط است و منظم بودن خواب تا حدی این ارتباط را توضیح می دهد. سطح بالاتر و بیتمی دی (D) در بدن افرادی که بیشتر در معرض نور روز بودند و نظم خوابشان بیشتر بود، مشاهده شد، اما این موضوع با علائم افسردگی ارتباطی نداشت.

چربی شکمی زنگ خطر ابتلا به آلزایمر را به صدادر می آورد



یافته های یک پژوهش جدید نشان می دهد ارتباطی شگفت انگیز میان چربی های عمق شکم و تجمع اولیه پلاک های آمیلوئیدی که شاخص مهم بیماری آلزایمر است، وجود دارد که پیش بینی ابتلا به آلزایمر را چند دهه قبل از بروز چشمگیر علائم زوال شناختی ممکن می کند.

این یافته ها ممکن است به عنوان یک هشدار اولیه برای ابتلا به بیماری آلزایمر، چندین دهه قبل از بروز چشمگیر زوال شناختی، به شمار روند.

یافته های این پژوهش که در کنفرانس سالانه انجمن رادیولوژی آمریکا شمالی در سال ۲۰۲۴ میلادی ارائه شد، فهم ما را درباره چاقی و سلامت مغز را به چالش می کشد و به طور خاص بر نوع و محل چربی تمرکز می کند. از مدت ها قبل، شاخص توده بدنی (BMI) با خطر زوال عقل مرتبط دانسته می شد؛ اما پژوهش جدید نشان می دهد همه چربی ها به طور یکسان در ابتلا به آلزایمر نقش ندارند. مقایسه جریان خونی مغز ۶۵ فرد میانسال که از نظر شناختی وضعیت طبیعی دارند، نشان داد در افراد چاقی و یافت چربی احشایی بالا، جریان خون در نواحی گیجگاهی و جداری مغز کاهش یافته است. پژوهشگران تأکید می کنند چربی احشایی، چربی احاطه کننده اندام های داخلی در عمق شکم، در مقایسه با چربی زیر پوستی که در دست در زیر پوست قرار دارد، ارتباط بسیار قوی تری با آلزایمر دارد. این نوع چربی با حضور پلاک های آمیلوئیدی که تجمع پروتئین در مغز و از علائم آلزایمر است، مرتبط است. مهسا دولت شاهی، سرپرست پژوهشگران تأکید کرد: نتیجه مهم پژوهش ما این است که نسبت های بالاتر چربی عمیق و احشایی در افراد ۴۰ یا ۵۰ ساله با توده های پروتئینی آمیلوئیدی در مغز مرتبط است. پلاک های آمیلوئیدی همیشه باعث زوال شناختی نمی شوند؛ اما به عنوان شاخص های اولیه آلزایمر در نظر گرفته می شوند؛ این نشان می دهد توزیع چربی در بدن ممکن است در مقایسه با شاخص توده بدنی به تنهایی (که بین انواع چربی تفاوتی قائل نمی شود)، عملکرد مطمئن تری در پیش بینی خطر ابتلا به آلزایمر باشد. رابطه میان چربی، متابولیسم و سلامت پیچیده است. شاخص توده بدنی بالا یا آتروفی (تقلیل اندازه سلولی، عضوی یا بافتی) مغز و زوال عقل مرتبط است؛ اما بر اساس یافته های این پژوهش، چربی احشایی برای پیش بینی خطر آلزایمر بسیار مهم تر است.